

نقش باز آفرینی مناظر فرهنگی در توسعه پایدار

مرضیه طهماسبی

پژوهشگر دکتری معماری منظر دانشگاه تربیت مدرس

marziyeh.tahmasbi@modares.ac.ir

مهدی حقیقت بین^۱

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

haghighatbin@modares.ac.ir

چکیده

مناظر فرهنگی نشان دهنده عینی تکامل جامعه انسانی و استقرار آن ها در طول زمان هستند، عناصری که تحت تأثیر جریان های فرهنگی و یا طبیعی بستر خود تغییر و تکامل می یابند. بنابراین هر کوششی در راستای حفاظت و باز آفرینی آن، در اصل کمکی به بقای فرهنگ و پایداری طبیعت یک سرزمین است. مناظر فرهنگی علاوه بر لایه های طبیعی و زیست محیطی دارای لایه های ارزشمند تاریخی و فرهنگی هستند، بنابراین در احیای آنها، تنها نگهداری و حفاظت از کالبد منظر به معنای تداوم ارزش های ناملموس منظر نیست و سبب از بین رفتن ارزش های فرهنگی منظر می شود بنابراین نمی توان به احیای آنها در چارچوبی محدود و با تبصره های مشخص پرداخت. این امر نیازمند رویکردی انعطاف پذیر است که معمار منظر با مطالعه منظر فرهنگی و تاریخی سایت و شناخت جنبه های مختلف شکل دهنده منظر در ابعاد مختلف، در کنار توجه به اصول و قواعد احیا و حفاظت به مرمت آن پردازد. باز آفرینی یکی از اصلی ترین رویکردهای مدیریت و حفاظت در دوران معاصر است که در حفاظت از منظر فرهنگی ضمن حفظ ویژگی های ارزشی مکان، می تواند به خلق ویژگی های جدید و متناسب با نیازهای معاصر پردازد. در این پژوهش ابتدا تعریف منظر فرهنگی و معرفی مولفه ها و عوامل شکل دهنده آن ارائه شده است سپس رویکرد های متداول باز آفرینی منظر فرهنگی بررسی و در نهایت رویکرد متناسب در جهت باز آفرینی جامع و یکپارچه این مولفه ها معرفی می شود.

واژه های کلیدی: منظر فرهنگی، حفاظت و باز آفرینی، ارزش های ملموس و ناملموس، توسعه پایدار

۱- مقدمه:

فرهنگی علاوه بر عوامل انسانی لازم است عوامل طبیعی چون تغییرات اقلیمی نیز مورد توجه قرار گیرد.

۲- مواد و روشها

هدف این تحقیق ابتدا شناخت بهتر و دقیق ارزش های منظر فرهنگی و لایه های مختلف طبیعی و زیست محیطی، تاریخی و فرهنگی آن است و سپس استخراج اصول و روند باز زنده سازی مناظر فرهنگی بر پایه رویکردها و قوانین موجود در سازمان میراث جهان (یونسکو) و یافتن رویکردی انعطاف پذیر جهت حفظ و تداوم این ارزش ها و جنبه های مختلف شکل دهنده این منظر در ابعاد مختلف بر اساس اصول استخراج شده می باشد.

روش تحقیق این نوشتار در حوزه ادبیات نظری و بر مبنای روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد.

۳- نتایج و بحث

۳-۱- تعریف منظر فرهنگی

مناظری بسیار متنوع وجود دارند که نمایانگر مناطق متفاوت جهان هستند. در این مناظر ترکیب آثار بشری با جلوه های طبیعت نشان از وجود رابطه ای صمیمانه و طولانی بین بشر و محیط طبیعی دارد. برخی از این چشم اندازها منعکس کننده تکنیک های خاص استفاده از زمین است که حفظ تنوع بیولوژیکی را تضمین می کنند. برخی دیگر از این چشم اندازها که در ذهن مردم با باورهای قدرتمند و آداب و رسوم هنری و سنتی مرتبط هستند، نشانگر وجود رابطه ای معنوی بین انسان و طبیعت هستند. به منظور نمایان ساختن و تداوم این تنوع بالا از تقابل بین انسان و محیط طبیعی برای حفاظت از فرهنگ های سنتی زنده و حفظ ردپای فرهنگ های فراموش شده، این چشم انداز ها، مناظر فرهنگی نامیده می شوند و در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده اند

مفهوم امروزی منظر فرهنگی نتیجه روند توسعه جامعه معاصر و ارزش های حاکم بر آن است. پس از جنگ جهانی و ویرانی های حاصل از آن و توسعه عظیم صنعتی از دهه ۱۹۵۰، مردم دریافتند که زندگی شان ارتباط نزدیکی با محیطی دارد که در آن زندگی و کار می کنند و این امر، تشخیص هویت فرهنگی و مرجعی روحی و روانی برای روشی متعادل در زندگی شد (دهقانی، ۱۳۹۰). باززنده سازی منظر فرهنگی، روند منسجم و منظمی در راستای احیاء و حفاظت از هویت فرهنگی و طبیعی یک مجموعه تاریخی است که تداوم و بازشناسی آن، درک و شناخت ارزش های یک سرزمین را تعالی می بخشد (الماسی فر، ۱۳۸۹). بنابراین هر تلاشی در جهت حفظ آثار گذشته و باززنده سازی آن ها تبدیل به امری مهم و علمی همه گیر در دنیا شده است که این مساله موجب شده تا سازمان میراث جهانی یونسکو کنوانسیون ها و راهنمایی را در جهت حفظ این آثار منتشر کند.

امروزه بسیاری از مناظر فرهنگی در معرض تهدید قرار دارند. در بعضی از مناطق به دلیل توسعه شهرنشینی و توسعه برنامه ریزی نشده زیرساخت ها، معاصر سازی تکنیک های استفاده از زمین، آلودگی ها، آشوب های مدنی و یا گردشگری ناپایدار، مناظر فرهنگی در حال تخریب هستند. در نقاط دیگر، به ویژه در مناطق روستایی، به دلیل کاهش جمعیت، پیر شدن جمعیت و تغییر در شیوه های زندگی سنتی و سیستم های دانش، این مناطق رها شده و یا فاقد افراد مناسب برای مدیریت آنها هستند. علاوه بر عوامل انسانی، افزایش خطرات ناشی از فاجعه و تأثیرات تغییرات آب و هوایی، تهدیدهای جدید و شدیدی را برای مناظر فرهنگی در سراسر جهان ایجاد می کند (Rössler, 2018). بنابراین در حفاظت از مناظر

یافته اند و ارتباط معنوی خاصی که با طبیعت برقرار کرده اند، تکنیک های ویژه ای از کاربری پایدار زمین را منعکس می کنند. حفاظت از مناظر فرهنگی به گسترش تکنیک های مدرن استفاده از زمین کمک می کند و همچنین می تواند ارزش های طبیعی موجود در منظر را حفظ نماید و یا ارتقا دهد. تداوم حضور اشکال سنتی استفاده از زمین بسیاری از مناطق جهان از تنوع زیستی پشتیبانی می کند؛ بنابراین حفاظت از مناظر فرهنگی سنتی می تواند به حفظ تنوع زیستی کمک کند (برداشت از سایت یونسکو) در این میان تفاوت میان منظر فرهنگی و منظر طبیعی، در محافظت از منظر فرهنگی می باشد (الماسی فر، ۱۳۸۹) که این امر به نظر می رسد با توجه به ارزشهای فرهنگی - طبیعی شکل گرفته موجود در منظر در طول زمان باشد.

۲-۳- انواع منظر فرهنگی و معیارهای ارزیابی آن

دسته بندی مناظر فرهنگی در یونسکو به دو شکل ارائه شده است؛ ابتدا در سال ۲۰۰۳ در کتابچه میراث جهانی بر مبنای نوع کاربری محیط، منظر فرهنگی به ۵ نوع تقسیم شد؛ منظر شهری، منظر صنعتی، مناظر ساحلی - دریایی، منظر نظامی و مناظر دارای ایدئولوژی خاص یا عقاید بومی (Fowler, 2003). دسته دوم به صورت کلی تر و با توجه به نوع شکل گیری منظر ارائه شده که مناظر فرهنگی را به سه دسته تقسیم بندی کرده است:

- دسته اول مناظری هستند که توسط انسان ساخته و طراحی شده اند، این دسته از مناظر فرهنگی به راحتی قابل شناسایی اند و شامل باغ ها و پارک منظرها^۵ هستند که بدلائل زیبایی

ICOMOS-International Council on)
(Monuments and Sites, 2013).

اصطلاح مناظر فرهنگی^۲ از سال ۱۹۹۲ تعریف شد و از آن زمان تعداد مناظر فرهنگی در فهرست میراث جهانی به طور مداوم در حال افزایش است (Fowler, 2003). در حال حاضر ۱۱۹ مورد به عنوان مناظر فرهنگی در این فهرست به ثبت رسیده است (سایت یونسکو^۳) در همان سال کنوانسیون میراث جهانی به عنوان اولین سند حقوقی بین المللی برای شناسایی و حفاظت از مناظر فرهنگی شناخته شده به وجود آمد (شهسواریگر، ۱۳۹۰). در ماده یک این کنوانسیون آورده است که مناظر فرهنگی محصول مشترک انسان و طبیعت است (سایت یونسکو - ۱۷).

در حالیکه تعریف اولیه یونسکو^۴ از مناظر فرهنگی بیشتر بر باغ ها و پارک ها تاکید می کرد ولی در تعاریف جدید امکان گنجاندن منظر کشاورزی و منظر معدن هم در فهرست میراث جهانی وجود دارد. بر اساس تعریف یونسکو مناظر فرهنگی تکامل موجود در جامعه بشری و استقرار او را در طول زمان تحت تاثیر محدودیت ها و فرصت های محیط طبیعی و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پی در پی، هم درونی و هم بیرونی، نشان می دهد (ICOMOS, 2013).

مناظر فرهنگی نبوغ خلاق، رشد اجتماعی و نقاط فکری و روحی بشریت را گواهی می دهند، آن ها بخشی از هویت جمعی ما هستند (ICOMOS, 2013). به عبارتی می توان گفت اصطلاح منظر فرهنگی انواع مختلفی از تعاملات انسان و طبیعت را در بر می گیرند. مناظر فرهنگی اغلب با وجود ویژگی ها و محدودیت های محیط طبیعی که در آن استقرار

² Cultural Landscape

³ <https://whc.unesco.org/en/culturallandscape/#1>

⁴ United Nations, Educational, Scientific and Cultural Organization

⁵ Parkland Landscapes

- نمایانگر تبادلی مهم از ارزشهای انسانی، در توسعه معماری یا فناوری، هنرهای ماندگار، برنامه ریزی شهری یا طراحی منظره، در طی یک بازه زمانی یا در یک منطقه فرهنگی از جهان باشد.

- حاوی مدارک از یک فرهنگ زنده یا شواهدی از یک سنت محو شده بی نظیر یا استثنایی باشد.

- حاوی نمونه ای برجسته از نوعی ساختمان، مجموعه معماری یا تکنولوژیکی یا منظری که نمایانگر مرحله ای خاص از تاریخ بشری است.

- حاوی نمونه ای برجسته از فرهنگ استقرار جامعه بشری، نوع کاربری زمین یا استفاده از دریا که نمایانگر آداب و رسوم یا تقابل انسان با طبیعت است به ویژه هنگامی که تحت تأثیر تغییر غیرقابل برگشت، آسیب پذیر و حساس باشد.

- به طور مستقیم یا ملموس با وقایع یا سنت های زنده، عقاید یا ایده ها، آثار هنری یا ادبی با اهمیت جهانی در ارتباط باشند. حاوی پدیده های طبیعی فوق العاده یا مناطقی با زیبایی طبیعی استثنایی و اهمیت زیبایی شناختی.

- حاوی نمونه های برجسته نمایانگر مراحل اصلی تاریخ زمین، شامل ثبت زندگی، جریان های زمین شناسی زنده شاخص که در حال توسعه شکل زمین هستند و یا ویژگی های ژئومورفیک یا فیزیوگرافیک شاخص.

- حاوی نمونه های شاخص که نمایانگر جریان های بیولوژیکی یا اکولوژیکی زنده در تکامل و توسعه زمین، آب شیرین، اکوسیستم های آبی و ساحلی و جمعیت های حیوانی و گیاهی.

شناختی ایجاد شده اند و اغلب با ساختمان ها و مجموعه های مذهبی و یا بناهای یادبود در ارتباط هستند.

- دسته دوم منظری هستند که بصورت ارگانیک تکامل یافته اند. این نوع مناظر انعکاسی از روند تکامل خود را نشان می دهند که خود به دو گروه تقسیم می شوند؛ گروه اول منظر باقیمانده یا منظری که روند تکاملی آن پایان یافته مانند منظر فسیلی، ولی با این حال ویژگی های متمایز آن قابل مشاهده است. گروه دوم منظر متداوم یا منظری که روند تکاملی آن هنوز ادامه دارد، منظری که با روش زندگی سنتی مرتبط است درحالی که نقش اجتماعی و فعالی هم در زندگی معاصر دارد و همزمان شواهد قابل توجهی از تکامل خود را در طول زمان به نمایش می گذارد.

- دسته سوم مناظر فرهنگی انجمنی هستند. درج چنین مناظری در فهرست میراث جهانی به دلیل وجود انجمن ها یا گروه های مذهبی، هنری یا فرهنگی در منظر می باشد (ICOMOS, 2013).

برای ارزیابی و ثبت مناظر فرهنگی در تمام نقاط جهان سازمان میراث جهانی معیارهایی را تعیین کرده است. این معیارها ابزار اصلی کار در مورد میراث جهانی است و مرتباً بازنگری می شود تا منعکس کننده سیر تکامل مفهوم میراث جهانی باشد. تا پایان سال ۲۰۰۴، مناظر فرهنگی بر اساس شش معیار فرهنگی و چهار معیار طبیعی انتخاب می شدند ولی در حال حاضر دستورالعمل های عملیاتی اصلاح شده، فقط یک مجموعه از ده معیار وجود دارد:

- نمایانگر شاهکار و نبوغ بشری باشد.

از بین این کنوانسیون ها، کنوانسیون ۲۰۰۳ برای حفاظت از میراث ناملموس بویژه در ارتباط با مناظر فرهنگی تحت کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲ است. مطابق با کنوانسیون سال ۲۰۰۳، میراث فرهنگی ناملموس یا میراث زنده، پایه و اساس تنوع فرهنگی را تشکیل می دهد و حفظ آن تضمینی برای تداوم خلاقیت است.

گروه دوم - کنوانسیون ها و راهنماهایی که درباره حفاظت از میراث طبیعی وضع شده است؛

پنج کنوانسیون کلیدی در زمینه تنوع زیستی و میراث طبیعی وجود دارد: کنوانسیون تالاب های رامسر (۱۹۷۱)، کنوانسیون میراث جهانی (۱۹۷۲)، کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های در معرض خطر جانوران و جانوران وحشی (CITES، ۱۹۷۳)، کنوانسیون حفاظت از حیوانات وحشی یا گونه های مهاجر (CMS یا کنوانسیون بن، ۱۹۷۹)، کنوانسیون تنوع بیولوژیکی (CBD، ۱۹۹۲).

علاوه بر این کنوانسیون ها، معاهده منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی (۲۰۰۱) به طور خاص با مناظر فرهنگی میراث جهانی مرتبط است (Mitchel, ۲۰۰۹). همچنین یکی دیگر از قوانین وضع شده که در ارتباط با حفاظت از مناظر فرهنگی وضع شده است و دید فرهنگی و اجتماعی به این موضوع دارد، منشور بورا (۱۹۹۹) است. در منشور بورا، مفاهیم فرهنگی به معنای "ارزش های زیباشناختی، تاریخی، علمی یا اجتماعی نسل های گذشته، حال و آینده" می باشد. مولفه های فرهنگی در اصل مفاهیمی هستند که به شناخت بیشتر ارزش یک مکان یاری می رسانند. شناخت این ارزش ها به نوبه خود موجب درک گذشته، غنای حال و تداوم و ارزش دهی به آینده نسل ها می شود (الماسی فر، ۱۳۹۳).

با توجه به کنوانسیون ها و قوانین و ملاحظات که در زمینه حفاظت از مناظر فرهنگی وضع شده است می توان دریافت

- حاوی مهم ترین و شاخص ترین زیستگاه های طبیعی برای حفظ تنوع بیولوژیکی آن ها، از جمله مواردی که از نظر علم یا حفاظت شامل گونه های در حال انقراض هستند (سایت یونسکو- ۲۳). با آگاهی از این معیارها می توان سایت های تاریخی موجود را بر این اساس ارزش گذاری نمود و در طی برنامه های مدیریتی آتی بر اساس آن ها عمل کرد و در حفظ این ارزش ها کوشید.

۳-۳ - کنوانسیون ها، منشورها و راهنماهای مرتبط با مناظر فرهنگی

حفظ آثار گذشته و باز زنده سازی آن ها اکنون تبدیل به علمی همه گیر در اقصی نقاط جهان گردیده است، به نحوی که هر کجا اثری از فرهنگ گذشته یافت می شود، بحث حفظ و بازنمایی آن نیز مطرح می گردد. این مسئله باعث گشته تا کنوانسیون میراث جهانی یونسکو بر آن باشد تا رویکردها و قطع نامه هایی را در جهت حفظ این قبیل آثار بنیان نهد؛ به نحوی که حفاظت و بازآفرینی آثار تاریخی در سرلوحه اصلی آن قرار گیرد (ایرانی بهبهانی، ۱۳۸۳)، در حفاظت از مناظر فرهنگی نیز کنوانسیون ها و راهنماهای مختلفی وجود دارد که می توان آن ها را در دو گروه بررسی کرد:

گروه اول - کنوانسیون ها و راهنماهایی که درباره حفاظت از میراث فرهنگی وضع شده است؛ کنوانسیون حفاظت و حمایت از تنوع نموده های فرهنگی (۲۰۰۵)، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس (۲۰۰۳)، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی (۱۹۷۲)، قوانین منع و جلوگیری از صادرات و انتقال اموال فرهنگی (۱۹۷۰)، حمایت از منابع فرهنگی در رویدادها و درگیری های مسلحانه (۱۹۵۴).

هدف از احیای یک منظر فرهنگی، حفظ و تداوم ارزش های طبیعی و تاریخی است که گویای عقاید و فرهنگ مردم یک سرزمین و نشان دهنده تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. احیا و باز زنده ساختن منظر فرهنگی و جریان بخشیدن دوباره به زندگی و فعالیت، علاوه بر احیای محیطی و طبیعی سایت، به تداوم تعامل میان طبیعت درونی انسان با طبیعت اطرافش می پردازد (همان). در این میان یکی از چالش هایی که در زمینه حفاظت از آثار تاریخی وجود دارد چالش میان حفاظت و توسعه است. اگرچه از لحاظ تئوریک تعارضی میان مفهوم دقیق توسعه و حفاظت وجود ندارد اما در عرصه عمل این دو مقوله همواره با یکدیگر در چالش و تقابل بوده اند (حناچی، ۱۳۸۶). از یک طرف اهمیت مناظر فرهنگی ایجاب می نماید که مورد حفاظت قرار بگیرند و از طرف دیگر رشد و پیشرفت مستلزم برخورداری از برنامه های مدرن توسعه است، که با مروری بر تجربه های مرمت شهری می توان دریافت که حفاظت بدون توسعه و توسعه بدون حفاظت نمی تواند پاسخگوی شرایط با ارزش مناظر فرهنگی باشد.

در این میان، بررسی و تحلیل سیر تکامل مفهوم میراث از تک بنا به مجموعه ها و بافت های شهری و فراتر از آن منظر فرهنگی و منظر شهری تاریخی، آشکار می سازد که **هرچه مقیاس نگاه به میراث از خرد به کلان تغییر یابد، از یک سو جنبه ناملموس از اهمیت بیشتری برخوردار می گردد** و از سوی دیگر تغییر و دگردیسی به عنوان بخشی از ماهیت اصالت در کنار تداوم یک وضعیت ثابت بیشتر مورد توجه و بحث قرار می گیرد (فدائی نژاد، ۱۳۹۳). رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باززنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تأکید بر ملاحظات

که در حفاظت از مناظر فرهنگی باید هم ارزش های طبیعی و هم ارزش های فرهنگی این مناظر مورد حفاظت قرار بگیرند. همچنین با توجه به تاریخ وضع این قوانین و بیانیه ها می توان دریافت که این روند با دیدی صرفا کالبدی آغاز شد، از این رو در منشورها و راهنماهای اولیه بیشتر بر حفظ و اصالت و ارزش های تاریخی و کالبدی تاکید شده است ولی به تدریج توجه به مکان و زمینه گسترش می یابد و با اضافه شدن دید فرهنگی و اجتماعی، این روند تکامل پیدا می کند.

۳-۴- اهمیت حفاظت از مناظر فرهنگی

حفاظت و نگهداری آثار تاریخی - فرهنگی گذشته به عنوان خاطره جمعی از آغاز قرن ۱۹ میلادی مورد توجه قرار گرفته و احیاء و حفاظت از آن ها در بسیاری از کشورهای اروپایی اهمیت بسزایی یافت (شهسواری، ۱۳۹۰). حفاظت از آثار تاریخی نیازمند درک عمیقی از چگونگی با ارزش بودن مکان است و این که میراث فرهنگی تنها جنبه مادی آثار را در بر نمی گیرد، بلکه ادبیات شفاهی شامل سرودها، داستان ها، رقص ها و ... نیز جزئی از آن به شمار می آیند (الماسی فر، ۱۳۸۹). از آنجا که منظر پدیده ای شکل گرفته از لایه های مختلف تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، طبیعی و ... است. لذا در احیای آن توجه صرف به ویژگی های بصری و کالبدی سبب از بین رفتن ارزش های فرهنگی می شود. رویکرد جهانی احیای منظر تنها مطالعه اکولوژیکی محیط طبیعی و حفاظت و نگهداری از عناصر طبیعی را کافی نمی داند و توجه به هر دو جنبه عینی و ذهنی منظر را اصل قرار می دهد و معتقد است از یک سو احیای بستر اکولوژیکی و زیست بوم منطقه موجب سلامت، زیبایی و پایداری منظر است و از سوی دیگر احیای نماد ها و نشانه های فرهنگی و تاریخی سبب تداوم تاریخی ارزش های فرهنگی یک سرزمین و حفظ هویت منظر آن می شود (شهسواری، ۱۳۹۰).

شهری با نگرش بازآفرینی در دستور کار قرار گرفت. نوعی رویکرد مداخله ای که با نگاه به گذشته و بدون پاک سازی هویت های تاریخی دوره های مختلف به خلق هویتی جدید متناسب با شرایط زندگی مردمان عصر حاضر می اندیشد (کشاورز، ۱۳۸۹) در واقع در دهه ۱۹۹۰ به بعد چارچوبی جدید برای فرآیند تجدید حیات شهری فراهم شد که بر اساس آن و در تعریفی جدید، مرمت شهری مفهومی جامع است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است. نکته دیگر این که مرمت در این دیدگاه توجه و تاکید خاص بر مقیاس محلی، تنوع فرهنگی و کنش متقابل میان انسان و مکان زندگی او دارد (حاجی پور، ۱۳۸۶)، با توجه به اینکه مناظر فرهنگی تغییرات منظر بر اثر این تقابل بین انسان و مکان زندگی او در طول زمان را نشان می دهد، رویکرد بازآفرینی می تواند راهکار مناسبی را در جهت حفظ ارزش های فرهنگی و طبیعی مناظر فرهنگی ارائه دهد.

مناظر فرهنگی شامل دو دسته عوامل عینی و ذهنی هستند. عوامل عینی در بردارنده مجموعه عوامل طبیعی و مصنوع مانند مولفه های انسان ساخت و مولفه های طبیعی می شود. عوامل ذهنی نیز شامل مولفه های فرهنگی مانند حوادث تاریخی، خاطرات، روابط، تعاملات انسانی و رویدادهای فردی - جمعی می باشند. سوآفیلد نیز در دسته بندی خود منظر را واجد دو گونه منظر عینی و منظر ذهنی دانسته است (سوآفیلد، ۲۰۰۵، به نقل از فیضی ۱۳۹۳). به این ترتیب منظر فرهنگی را می توان حاصل کنش متقابل سه مولفه مهم یعنی مولفه هان انسان ساخت، طبیعی و فرهنگی می باشد که در دو دسته عوامل عینی و ذهنی شکل می گیرند.

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده است (ایزدی، ۱۳۹۷). بازآفرینی به مثابه رویکردی مداخله گر در مرمت شهری و با توجه به ماهیت و راهبردهای آن می تواند پاسخی مناسب به حفاظت از مناظر فرهنگی باشد.

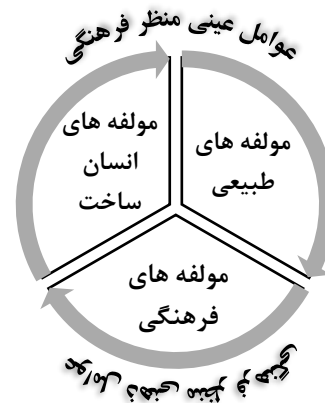
۵-۳- راهبردها و راهکارهای بازآفرینی در مناظر فرهنگی

باز آفرینی یا معاصر سازی در طی یک روند مربوط به از نو فعال شدن صورت می پذیرد. در این اقدام، محیط فیزیکی و ساختار اجتماعی-اقتصادی فضاهاى شهری از طریق توانمند سازی محیطی احیا می شوند. بازآفرینی خلق فضاهاى جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی قدیم (کالبدی و فعالیتی) است و هدف حفظ ویژگی های ارزشی بافت قدیمی، خلق ویژگی های جدید و متناسب با نیاز روز و تعریف مجدد ارزش های گذشته برای پاسخگویی به نیازهای معاصر می باشد (حناچی، ۱۳۸۶). از دیدگاهی دیگر، بازآفرینی یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی های نو که همگی در ایجاد روابط جدید و یا تعریف دوباره روابط کهن یا موجود موثر می افتد. در این رویکرد توجه به حفظ ارزش های فرهنگی و حفظ ثروت های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری های متعدد، توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی، مشارکت گروه های اجتماعی در فرآیند بازآفرینی و غیره مشهود می باشد (کشاورز، ۱۳۸۹).

باز آفرینی شهری را می بایست اصلی ترین رویکرد مدیریت و حفاظت شهری در دوران معاصر دانست (لطفی، ۱۳۹۶). این رویکرد پس از چالش های فراوان در راستای رویارویی با معضل فرسودگی شهر ها به عنوان رویکردی یکپارچه و در برگرفته ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مطرح گردیده است (امین زاده، ۱۳۹۱). در دهه ۱۹۹۰، مرمت

فرهنگ گرا برای شهرها ترسیم کند. این رهیافت به کالبد دیروز احترام می گذارد و ساختارهای نو را در همخوانی با ساختارهای دیروز، به این ترتیب می افزاید و محتوا و کارکردی را ارائه می دهد که روستا ساخت آن جریان فرهنگی و اجتماعی و زیرساخت آن سازوکار اقتصادی و پر بازده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۸). آنچه بازآفرینی فرهنگ مبنای را از رویکردهای پیشین شهری متمایز می کند، استفاده ای است که از مفهوم فراگیر فرهنگ و رویدادهای فرهنگی، به عنوان تسهیل کننده جریان بازآفرینی و عامل رونق اقتصادی در قالب انواع فعالیت های مرتبط با فرهنگ و هنر می شود (همان منبع). می توان گفت در این رویکرد، مداخلات فرهنگی بیش از آنکه محصول ثانوی رشد اقتصادی باشند، نیروی محرکه آن هستند. توجه به نقش فرهنگ، استفاده از ارزش های تاریخی و فرهنگی به عنوان منابعی برای توسعه و همچنین توجه به گذران اوقات فراغت مردم، مهم ترین وجوه این گرایش هستند (کشاورز، ۱۳۸۹).

نتایج پژوهش ایوانز و شاو^۶ (۲۰۰۴) نشان می دهد که جانمایی فرهنگ در قلب بازآفرینی خروجی اقتصادی داشته و از طریق خلق مزیت رقابتی می تواند منجر به توسعه سرمایه گذاری داخلی، کسب و کار، خرده فروشی، اوقات فراغت، ایجاد شغل و ثروت و افزایش قیمت املاک شود. آن ها همچنین نشان می دهند که بازآفرینی فرهنگ مبنای قادر است تا دامنه گسترده تری در ساخت انسجام اجتماعی و هویت محلی به دست آورد و منجر به بهبود ادراک ساکنان، سرمایه اجتماعی، اعتماد به نفس ساکنان و ارتقای سطح آموزش و پرورش شود و گارسپا^۷ (۲۰۰۴) نیز فرهنگ را یک دارایی اقتصادی و یک کالای قدرتمند می داند که تولید کننده



نمودار ۱- عوامل شکل دهنده منظر فرهنگی (ماخذ: نگارندگان)

از میان رویکردهای مختلف بازآفرینی، با توجه به مؤلفه ها و عوامل شکل دهنده منظر فرهنگی می توان رویکردهای مختلفی را برای بازآفرینی و حفاظت از این مکان های ارزشمند پیشنهاد داد که در ادامه به بررسی این رویکردها و عوامل موثر بر آن ها و همچنین به مقایسه آن ها و انتخاب رویکرد برتر در بازآفرینی مناظر فرهنگی پرداخته می شود.

الف - بازآفرینی فرهنگ مبنای

با توجه به اهمیت مؤلفه فرهنگی و عوامل ذهنی شکل دهنده منظر فرهنگی یکی از رویکردهای مهم در بازآفرینی این مناظر، رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنای می باشد. بازآفرینی فرهنگ مبنای به عنوان رویکردی از فرآیند بازآفرینی شهری، بر استفاده از فرهنگ به عنوان کاتالیزور یا موتور محرک برای فعالیت های بازآفرینی تمرکز دارد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۸)، به نقل از ایوانز و شو، (۲۰۰۴) کاربرست فرهنگ در جایگاهی راهبردی و با هدف دستیابی به ساز و کار اقتصادی و پر رونق که می تواند متضمن اهداف توسعه ای باشد و چهره ای

⁷ Garcia, B. (2004). Deconstructing the City of Culture: The Long-term Cultural Legacies of Glasgow 1990. Journal of Urban Studies

⁶ Evans, G. & Shaw, P. (2004). The Contribution of Culture to Regeneration in the UK: A Review of Evidence. London: London Metropolitan University



فضاهای شهری قابل داد و ستد است. نتایج پژوهش انجام شده توسط سهند لطفی (۱۳۹۰) نیز فرهنگ را به عنوان عاملی تسهیل گر در فرآیند بازآفرینی شهری معرفی می کند و معتقد است که فرآیند بازآفرینی فرهنگ مبنا از طریق مجموعه ای از فعالیت های فرهنگی می تواند موجب رونق اقتصادی شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۸).

ب - بازآفرینی مبتنی بر ادراک اجتماعی

با توجه به ارتباط متقابل بین انسان و طبیعت در مناظر فرهنگی به نظر می رسد رویکرد بازآفرینی مبتنی بر مولفه ها و شاخص های ادراک اجتماعی یکی از رویکرد های مناسب در بازآفرینی این مناظر باشد. شاخص های موجود در ارزیابی منظر متعدد و متنوع هستند، اما این تکرار نشانه تنوع استفاده از آن ها در مراحل مختلف سنجش است و نشان دهنده غنای شاخص ها نیست (اسدپور و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر ادراک فرآیند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان و موضوعی فعال و هدفمند است و به پاسخ های مستقیمی باز می گردد که حواس ما به ساختار یا فرم ها بدون هیچ گونه فعالیت ذهنی و یا با حداقل آن، نشان می دهد. در کل چهار پارادایم در ادراک منظر تا کنون شناخته شده اند که به ترتیب عبارتند از پارادایم متخصصان، روان شناسان، شناختی و آزمایشی و شاخص های منتشر شده در زمینه ادراک منظر به دو دسته شاخص های ادراک بصری و شاخص های ادراک اجتماعی قابل تفکیک هستند. اسدپور و همکاران (۱۳۹۵)، در این پژوهش به بررسی این شاخص ها می پردازند و شاخص های ارزیابی ادراک اجتماعی را در دو دسته ارتباط منظر با مردم و ارتباط مردم با منظر بررسی می کنند. در این بررسی شاخص های ادراک اجتماعی در ارتباط منظر با مردم را شامل قابلیت بازنمایی، منظر بدیع و شهرت منظر، منظر و

رویدادهای تاریخی و هویت فرهنگی و نیز در ارتباط مردم با منظر را شامل آسایش و احساس رضایت، دسترسی پذیری، ادراک طبیعی بودن، تجربه منظر، حساسیت و توجه عمومی و حفاظت قانونی از منظر معرفی می شود. اگرچه بدیهی است تفکیک این شاخص ها صرفاً جهت ساده سازی موضوع بوده و ارتباط دو طرفه میان منظر و مردم دارای پیوستگی است و تفکیک آن در مقام پژوهش و شناخت ممکن است. پژوهش در زمینه ادراک اجتماعی به معنای پژوهش در ارزش های شکننده ای است که منظر به عنوان نمود و ابزار انتقال آن در جامعه عمل می نماید و شامل ارزش های فرهنگی (خاطرات و هویت) و ارزش های ثمردهی یا بهره بری (تولید و تفریح) می باشد.

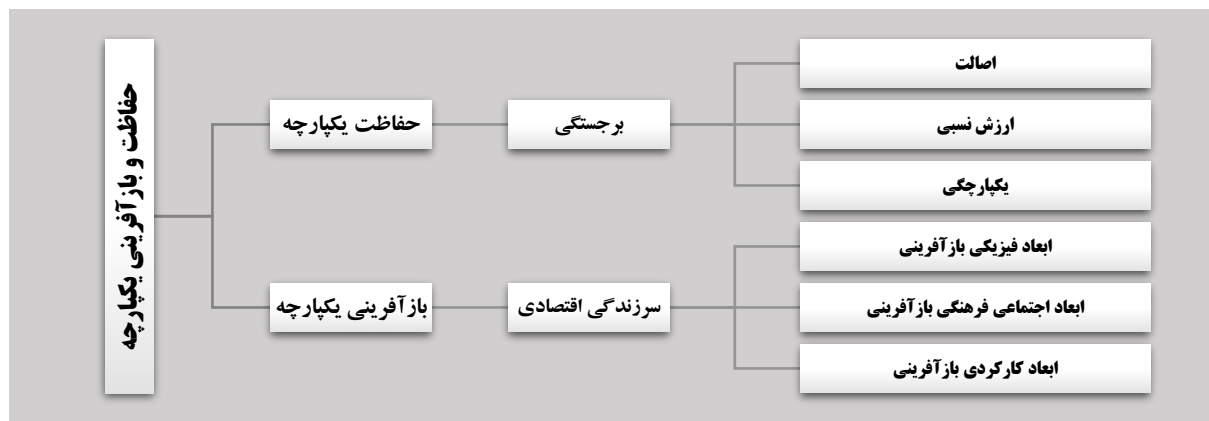
پ - حفاظت و بازآفرینی یکپارچه

از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه بعنوان رویکردی غالب در بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی مطرح می گردد و از سوی انجمن ها، افراد و موسسات در مقیاس های مختلف محلی و بین المللی مورد توجه، حمایت و توسعه قرار می گیرد (حناچی و فدائی، ۱۳۹۰). در این رویکرد ضمن توجه همه جانبه به طیف متنوعی از ارزش ها اعم از تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تعمیم قلمرو حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بسترهای سیاسی، برنامه ریزی و آموزشی پرداخته می شود (به نقل از لارکهام^۸، ۱۹۹۹). در این دهه توجه به بعد اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی حفاظت و ایفای نقش محوری توسعه در سیاست ها و رویکردهای حفاظتی و به دنبال آن نقش مهم حفاظت و توجه به ارزش های میراث فرهنگی و طبیعی در سیاست ها و برنامه های این نهضت به وجود می آورد (همان منبع). چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه از دو بخش

تاثیرگذاری که به عنوان رویکردی جامع در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی در این تصمیم گیری ها در سطحی گسترده مطرح شده است. این رویکرد سه هدف اقتصاد، برابری و محیط^۹ را در بر می گیرد. با حفظ رقابت اقتصادی، کاهش نابرابری، حفاظت و نگهداری محیط زیست که حاکی از نسل جدیدی از مشارکت های نوآورانه ای از بخش های خصوصی - عمومی و سازمان های غیردولتی می باشد (گیسون و کوکاباس، ۲۰۰۱، به نقل از مقیدی ۱۳۹۳). در این پژوهش هدف نهایی بازآفرینی پایدار را ارتقای کیفیت زندگی بر می شمرد و در این راستا توجه به نقش مردم و اجتماعات محلی، تاکید بر هویت محلی و حس تعلق به مکان و کاربرد مفهوم مشارکت در همکاری بخش های خصوصی و دولتی را اصول تعیین کننده بازآفرینی شهری پایدار می داند.

حفاظت یکپارچه و بازآفرینی یکپارچه تشکیل شده است. در چارچوب بازآفرینی یکپارچه، انواع بازآفرینی فیزیکی، اجتماعی به منظور تحقق و ایجاد یکپارچگی و تعادل بایستی با معیار سرزندگی اقتصادی در رابطه و تعامل باشند و عوامل موثر و تعیین کننده چارچوب حفاظت یکپارچه شامل؛ اصالت، یکپارچگی و ارزش نسبی بایستی با معیار برجستگی در رابطه و تعامل باشند. نتیجتاً به منظور شکل گیری چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه، معیارهای برجستگی و سرزندگی اقتصادی بایستی در تعامل و تعادل با یکدیگر قرار گیرند. در این میان سیاست بازآفرینی حفاظت مبنا یا به عبارتی جامع تر حفاظت و توسعه توأمان بیشترین همگرایی و نزدیکی را میان معیارهای برجستگی و سرزندگی اقتصادی ایجاد می کند و نقش موثری در چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه دارد (کیان، ۱۳۹۶).

در برخی پژوهش ها (مقیدی، ۱۳۹۳)، بازآفرینی جامع یکپارچه را بازآفرینی شهری پایدار معرفی می کند؛ پارادایم



نمودار ۲- معیارها و مولفه های چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه (ماخذ: نگارندگان با اقتباس از حناچی و فدایی نژاد، ۱۳۹۰)

۴- نتیجه گیری

در جمع بندی این پژوهش می توان گفت با توجه به رویکردهای بررسی شده در این پژوهش و در راستای حفاظت از مناظر فرهنگی، با توجه به مولفه های فرهنگی، طبیعی و انسان ساخت مناظر فرهنگی، رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه یا بازآفرینی پایدار به عنوان رویکردی که نگاه جامع به ارزش های همه جانبه مناظر فرهنگی دارد و ابعاد مختلف فرهنگی، محیط زیستی و اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد می تواند به عنوان رویکردی مناسب در حفاظت و بازآفرینی این آثار ارزشمند مورد استفاده قرار بگیرد. به علاوه ذکر این نکته ضروری است که امروزه حفاظت و توسعه به مثابه دو جزء این مکمل مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گرفته است و متولیان امر توسعه می بایست برای تحقق برنامه های توسعه ای در مناظر فرهنگی به تدوین سیاست های مشترک با مدیران بخش حفاظت بر پایه رویکردی متعادل، همه جانبه نگر و یکپارچه بر مبنای توجه به معیارهای اقتصادی و ارزش های فرهنگی و طبیعی مکان به صورت توانمند پردازند. در این میان کاربرد مفهوم مشارکت در همکاری بخش های خصوصی و دولتی، توجه به نقش مردم و اجتماعات محلی، تاکید بر هویت محلی و حس تعلق به مکان به عنوان اصول تعیین کننده تاکید می گردد.

البته یکی از موارد مهمی که در این راستا باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد ارتباط متقابل بین انسان و منظر و ادراک اجتماعی می باشد. همچنین یکی از اهداف اصلی در بازآفرینی مناظر فرهنگی، امکان بهره برداری اقتصادی از آن به گونه ای می باشد که ارزش کافی به منظور پوشش هزینه های بازآفرینی آن را ایجاد کند و درآمد لازم به منظور هزینه های بلند مدت نگهداری و حفاظت از بناها و بافت های

تاریخی را تامین نماید، هرچند که حفظ ارزش های طبیعی و فرهنگی این مناظر به عنوان مهم ترین اصل در بازآفرینی مناظر فرهنگی همواره باید مقدم بر همه امور باشد.

۵- منابع مورد استفاده

- ۱- الماسی فر، نینا؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۹۳)، تبیین روش های باززنده سازی باغ های ایرانی به عنوان منظر فرهنگی، پایان نامه دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- الماسی فر، نینا؛ انصاری، مجتبی و بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۹)، باززنده سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان با تاکید بر رویکردهای بازآفرینی و حفاظت از میراث جهانی ICOMOS، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۶، صفحات ۲۶-۷.
- ۳- امین زاده، بهناز و رضا بیگی ثانی، راضیه (۱۳۹۱)، ارزیابی جایگاه مشارکت در طرح های منظر شهری به منظور ارائه فرآیند مناسب بازآفرینی بافت های آسیب دیده، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۳، صفحات ۳۹-۲۹.
- ۴- اسدپور، علی؛ مظفر، فرهنگ؛ فیضی، محسن و بهزادفر، مصطفی (۱۳۹۵)، کاربست شاخص های ادراک اجتماعی در بازآفرینی منظر رودخانه های شهری؛ نمونه موردی رودخانه خشک شیراز، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هجدهم، ویژه نامه شماره ۳.
- ۵- ایرانی بهبهانی، هما (۱۳۸۳)، درآمدی به حفاظت و نگهداری باغ های تاریخی، ماهنامه موزه ها، شماره ۴۱، صفحه ۱۹.
- ۶- ایزدی، آرزو؛ ناسخیان، شهریار و محمدی، محمود (۱۳۹۷)، تبیین چارچوب مفهومی بازآفرینی پایدار بافت های تاریخی: بررسی اسناد، بیانیه ها و منشورهای بازآفرینی، نشریه مطالعات باستان شناسی پارسه، شماره ۶، سال دوم، صفحات ۱۷۷-۱۶۱.
- ۷- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۶)، مقدمه ای بر سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری؛ دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، سال دوم، شماره نهم و دهم.

۱۳- شهسوارگر، مولود (۱۳۹۰)، تداوم منظر فرهنگی، احیا و بازآفرینی یک باغ تاریخی، نشریه منظر، شماره ۱۷، صفحات ۵۹-۵۴.

۱۴- فدائی نژاد، سمیه و پرستویی، عشرت (۱۳۹۳)، واکاوی مؤلفه های بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۹، شماره ۴، صفحات ۸۶-۷۷.

۱۵- فیضی، محسن و اسدیپور، علی (۱۳۹۲)، فرآیند بازآفرینی منظر میدانی شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان، فصلنامه مطالعات شهری، شماره هفتم، صفحات ۱۴-۳.

۱۶- کشاورز، مهناز؛ پوراحمد، احمد و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۹)، سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره اول، صفحات ۹۲-۷۳.

۱۷- کیان، فریبا؛ شعله، مهسا و لطفی، سهند (۱۳۹۶)، کاربست فرآیند یکپارچه طراحی شهری در باز آفرینی مکان مبنای بافت های تاریخی باز زنده سازی تداوم مکانی گذر سنگ سیاه شیراز، نشریه مدیریت شهری، شماره ۵۲، صفحات ۱۲۶-۱۰۹.

18- Fowler, P. J. (2003). World heritage cultural landscapes 1992-2002. (No. World Heritage Paper 6). Paris: UNESCO World Heritage Centre

19- ICOMOS - International Council on Monuments and sites (2013), Cultural landscapes: Management and conservation, By ICOMOS Documentation Centre.
https://www.icomos.org/centre_documentation/bib/2013Biblio_Cultural_landscapes.pdf

20- Mitchel, N., Rössler, M., Tricaud, P. M., (2009), World Heritage Cultural Landscapes: A Handbook for Conservation and Management, Published by the UNESCO World Heritage Centre

21- Rössler, M., Lin, R.CH. Cultural Landscape in World Heritage Conservation and Cultural Landscape Conservation Challenges in Asia. Built Heritage 2, 3-26 (2018).

۸- حناچی، پیروز و فدائی نژاد، سمیه (۱۳۹۰)، تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی تاریخی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۶، صفحات ۲۶-۱۵.

۹- حناچی، پیروز؛ دیبا، داراب و مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۶)، حفاظت و توسعه در ایران؛ تجزیه تحلیل تجارب مرمت در بافت های با ارزش شهرهای تاریخی ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صفحات ۶۰-۵۱.

۱۰- حناچی، پیروز و همکاران (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی تجارب مرمت شهری در ایران و جهان، تهران: نشر سبحان نور.

۱۱- دهقانی، فهیمه؛ پورجعفر، محمدرضا و مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۰)، بازآفرینی باغ نظر شیراز با رویکرد حفاظت از منظر فرهنگی ارگ کریمخانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۲- رابرتز، پیتر دبلیو (۲۰۰۰)، بازآفرینی شهری یک کتاب راهنما، ترجمه محمد سعید ایزدی و پیروز حناچی (۱۳۹۳)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

22- World Heritage (2002). Cultural Landscapes: The Challenges of conservation, Shared Legacy, Common Responsibility, Associated Workshops , Ferrara – Italy, Published in 2003 by UNESCO World Heritage Centre.

23- <https://doi.org/10.1186/BF03545707>

24- <https://whc.unesco.org/en/culturallandscape/#1> (Access Date 02/18/2021)

25- <http://whc.unesco.org/archive/websites/venice2002/>

26- <https://whc.unesco.org/en/criteria/> (Access Date 02/18/2021)



11th International Conference on Sustainable Development & Urban Construction

Abstract

Cultural landscapes the evolution of human society and settlement over time, under the influence of the physical constraints and/or opportunities presented by their natural environment and of successive social, economic and cultural forces, both external and internal. Therefore, any effort to protect and regenerate it is essentially a contribution to the survival of culture and the sustainability of a land's nature. In addition to natural and environmental layers, cultural landscapes have valuable historical and cultural layers, so in their revival, the preservation and protection of the landscape tangible values are not enough and causes the destruction of intangible and cultural values of the landscape. Therefore, it is not possible to revive them in a limited framework and with specific comments. This requires a flexible approach that the landscape architect by restoring the cultural and historical landscape of the site and recognizing the various aspects that shape the landscape in different dimensions, along with paying attention to the principles and rules of restoration and protection to restore it. Regenerating is one of the main approaches of management and conservation in the contemporary era, which in the protection of cultural landscape while preserving the valuable features of the place, can create new features and tailored to contemporary needs. In this research, first the definition of cultural landscape and the introduction of its components and factors are presented, then the common approaches to cultural landscape recreation are reviewed and finally the appropriate approach for comprehensive and integrated recreation of these components is introduced.

Key Words: Cultural landscape, conservation and regeneration, tangible and intangible values, sustainable development